

پیش در آمدی بر کتاب " سیمای شکنجه "

"همچنان صدای تیرباران های شبانه شنیده می شد".

جمله کوتاهی است که بهروز سورن در خصوص تیربارانهای اوائل دهه 60 در کتاب حاضر نوشته است و هنوز هم متأسفانه پس از گذشت ربع قرن صدای تیرباران ها قطع نشده، هنوز هم فریاد نه مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی طنین افکن است و خواب راحت دژخیمان ولایت و جنایت را بر هم میزند.

در ازای تاریخ میهن ما را شعله های مقاومت بیدار دلان در رویارویی با مستبدین دینی روشن نگه داشته است. نه برچسب های اهل ذمه، موالی، عجم، فرمطی، صوفی، حروفی، ضاله و کافر توانست در ابتدای این هزارتوی تاریک اندیشی، دگراندیشان و دگر مذهبیان را بترساند و نه در این انتهای دیگر آن انگ منافق، مرتد، محارب، طاغی، باغی، مفسد فی الارض، جاسوس آمریکا و اسرائیل، برانداز، بهایی یا هوادار این یا آن سازمان مخالف قادر است طنین آزادی خواهی و حق طلبی ده ها هزار زندانی بر سر دار ایستاده را خاموش کند.

وقاحت و بیشرمی کوردلان حاکم اما مرزی نمیشناسد. آنها تلاش دارند با بسط ادبیات سرکوب و افزودن اصطلاحات جدید خودی، و غیر خودی مرزهای شقاوت پیشگی خود را باز هم گسترش دهند و فارغ از دغدغه آیه و تفسیر هر مخالفی را دستگیر، شکنجه، اعدام یا سر به نیست کنند. آزادگان و آزاداندیشان اما بقول شاملو...

" در برابر تندر می ایستند

خانه را روشن می کنند

و می میرند

زیرا که

آنان به چرا مرگی خود آگاهند"

آیا شکنجه و اعدام زنان آبستن، اعدام کودکان چهارده و پانزده ساله، تجاوز به زنان و دختران باکره قبل از اعدام، نگه داشتن کودکان سالهای متمادی در سلول، اعدام زندانیانی که محکومیشان پایان گرفته، اعدامهای دسته جمعی، نمایش قطع اعضای بدن در زندان جهت تضعیف روحیه مبارزین، اعدامهای بدون محاکمه، گرفتن پول تعداد گلوله های شلیک شده به اعدام شدگان از خانواده های آن ها، بیگاری از زندانیان به مدت ده تا دوازده ساعت در روز، بسط تروریسم دولتی به سراسر جهان، زیر پا گذاشتن قانون اساسی خود و اعدامهای خیابانی توانسته است جلوی برآمدهای توده ای، جنبش های دانشجویی، دانش آموزی و اعتراضات مردم جان به لب رسیده را بگیرد؟

سورن از جمله در این خصوص می نویسد:

" در واقع جمهوری اسلامی از تمامی امکانات حکومتی و ابزار سرکوب در جهت شکستن حماسه مقاومت فرزندان این مرز و بوم در اوین بهره گرفت، اما هرگز موفق نشد این فریادها را خاموش کند و سالها بعد با قتل عام آنان به شکست نهایی خود اعتراف کرد."

مسئله اساسی اما، اینست که در دنیای مدرن که صدها سال با تاریخ اندیشی قرون وسطایی فاصله گرفته و بسیاری از کشورها به قوانین جامعه مدنی و میثاق های بین المللی حقوق بشر متعهدند، شکنجه و اعدام حتی یکفرخیانت به بشریت شمرده میشود.

در مقایسه با چنین وضعیتی جنایات بنیادگر ایان طی حاکمیت دینی حد و مرزی نمیشناسد. سنگدلی و قصی القلبی شکنجه گران وضعیت جسمی و روحی بسیاری از بندرستانگان را چنان آسیب رسانده است که هرگز حالت طبیعی خود را باز نمی یابند، حتی تعدادی از آنها چون ...

" کابوس شکنجه و درد و تجاوز، یادها و رنج هایی که و رای قدرت تحملشان بوده، دست به خودکشی زدند".

هنوز ابعاد جنایاتی که بر زندانیان رفته روشن نیست و احتمالاً در حیات این رژیم که هر روز بزرگ جدیدی بر جنایات خود میافزاید، روشن نخواهد شد، بخصوص که با جو ارعاب و سرکوبی که ایجاد کرده است، نه خانواده های زندانیان سیاسی اعدام شده و نه معدود زندانیان از بندرسته در داخل ایران نمی توانند پرده از همه جنایاتی که شاهد بوده اند یا از سر گذرانده اند بگیرند. اگر همت و التزام معدود زندانیان سیاسی که به خارج آمده اند در کار نبود باز هم امکان افشای این جنایات کمتر بود. اما خوشبختانه تعداد زندانیان سیاسی این رژیم که در خارج نوشتن خاطرات دوران اسارت خود را آغاز کرده اند رو به گسترش دارد. اینان بر آنند تا نگذارند همه چیز فراموش شود.

سورن از زمره این ازبند رستانگان است که سالهای زندان خود را بقلم آورده است. تعمق او بر سایه روشن های روحی آناتکه شرایط زندان را تحمل نکردند، در هم شکستند و راه خیانت به همه دوستان و رفقای پیشین خود را برگزیدند، تامل او در لحظات تنهایی بر پستی و رذالت دژخیمانی که حاضرند دست به هر جنایتی بزنند و همه اصول اخلاقی و انسانی را زیر پا گذارند تا در سلسله مراتب ولایی / روحانی جایگاه بهتری کسب کنند، سفر او به بلندای شوهمند زندگی زندانیانی که هر نوع شکنجه را تحمل کردند و آمران و مجریان آبرویافته بین المللی آنها را به سخره گرفتند و با سرود

آزادی بر چوبه های دار بوسه زدند، همگی بازگشت درآلود انسان رنج دیده ایست به جهنمی که رژیم جمهوری اسلامی طی ربع قرن برای مبارزین راه آزادی تدارك دیده است، نشان دهنده درد تلخ از دست دادن همزمان پیشین است.... " هیچ چیز دردناکتر از آن نیست که در چهره هم سلول هایت نگاه کنی و یقین داشته باشی که چند صباحی دیگر به دست جلادانی از تبار لاجوردی، به جرم آزادی خواهی و دفاع از حقوق محرومان تیرباران می شوند ".

توصیف دقیق انواع شکنجه در زندان و توضیح کامل برنامه های ایدئولوژیک و سرکوب گر زندانبانان، بازجویان و شکنجه گران اسناد تازه ایست از آنچه بر زندانیان سیاسی گذشته و می گذرد.

سورن با سفر دوباره به دنیای خاطره و حافظه به شناخت ما از چهره اسلامی رژیم در زندان و وضعیت آزادشدگان در بیرون، در جامعه و مقایسه شرایط آنها با دوران ستم شاهی بسیار کمک میکند. او با این اقدام به مبارزه پیگیر خود در راه آزادی و عدالت اجتماعی مهر تائید گذارده است و این گفته میلان کوندرا را به یادمان می آورد ...

مبارزه انسان با قدرت مبارزه حافظه با فراموشی است.

خاطرات سورن فریاد رسای انسان های بیگناهی است که به جرم خواندن چند جزوه و اعلامیه اعدام شدند، روایت دقیق وضعیت زندانیانی است که در تحمل شکنجه توانشان بی پایان نبوده ولی در همین حد و بدون پیشداوری و قهرمان سازی باید قدرشان را دانست.

سورن از زاویه ای بی طرفانه حتی در مورد خود به قضاوت نشست است و بهمین خاطر درجه واقع بینی این نوشته را بسیار بالا برده است. فراموش نکردن جنایات جمهوری اسلامی نه تنها زنده نگهداشتن یاد و خاطره بی شمار شیفتگان جنبش آزادی خواهی در ایران بلکه تلاشی است برای جلوگیری از تکرار این جنایات.

فرامرز پدram
rasavand@yahoo.de

این کتاب در روزهای آینده توسط نشر بیدار منتشر خواهد شد.

Iranischer Kulturverein (Bidar)
Bei iranische Bibliothek
Am Judenkirchhof 11 C
D – 30167 Hannover
Tel. 0511/ 714544